

مطالعه‌ی تطبیقی ماهیت خسارت تاخیر تادیه در حقوق ایران و انگلیس

چکیده

در اثر تاخیر در ایفای تعهدات پولی، از یک سو، ارزش پول به نسبت گذشت زمان و تاخیر حاصل شده، کاهش می‌یابد و از سوی دیگر، متعهدله از بهره‌بردن از منافع پول، در مدت زمان تاخیر، محروم گشته و از این حیث خساراتی به او وارد می‌آید. به هر دو قسم این خسارات در نظام حقوقی ایران، عنوان خسارت تاخیر تادیه اطلاق می‌گردد، اما خسارت تاخیر تادیه به معنای واقعی آن، قسم اخیر می‌باشد. به موجب ماده‌ی ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی، فقط خسارت ناشی از کاهش ارزش پول و تا سقف نرخ تورم قابل جبران است، اما به موجب رای وحدت رویه‌ی شماره‌ی ۸۰۵ دیوان عالی کشور، توافق بر جبران خسارت تاخیر تادیه به میزانی افزون بر نرخ تورم، تجویز شده است؛ بنابراین امکان جبران خسارت تاخیر تادیه به معنای واقعی آن (اعم از خسارات نوعی مطلقاً، خسارات شخصی با اثبات تقصیر مدیون و میزان ضرر وارده و خسارات غیرقابل پیش‌بینی با اثبات سوءنیت مدیون) از رهگذر توافق اشخاص فراهم گردیده است. در نظام حقوقی انگلستان، پس از گذار از مرحله‌ی عدم امکان پرداخت مبلغ مازاد بر دین و به رسمیت شناختن امکان پرداخت خسارت تاخیر تادیه در دیون پولی، در فرضی که طرفین قرارداد، رأساً میزان خسارت تاخیر تادیه را مشخص می‌کنند، در صورتی که آن مبلغ، به میزانی باشد که جنبه‌ی کیفری به خود بگیرد و اصطلاحاً شرط کیفری دانسته شود، معتبر نخواهد بود. در حقوق ایران نیز به موجب قید قسمت اخیر رای وحدت رویه‌ی مذکور مبنی بر لزوم عدم مغایرت مبلغ تعیین شده با مقررات آمره از یک سو و همچنین با استناد به قاعده‌ی لا ضرر از سویی دیگر، شرط خسارت تاخیر تادیه‌ی غیر معقول (شرط تحمیلی) را می‌توان به جهت مغایرت با نظم عمومی و صدق عنوان ربا بی اعتبار دانست؛ به عبارت دیگر، آزادی طرفین در تعیین میزان خسارت تاخیر تادیه تا حدی است که صدق عنوان خسارت نماید نه ربا. وازگان کلیدی: خسارت تاخیر تادیه، تعهد پولی، ربا، شرط تحمیلی.

مقدمه

نسخ قوانین و مقررات پیشین از جمله ماده‌ی ۷۱۹ قانون آیین دادرسی مدنی ۱۳۱۸ و عدم پذیرش خسارت تأخیر تادیه به جهت شبهه‌ی ربوی آن، به دلیل پیامدها و آثار نامطلوبی که از حیث حقوقی و اقتصادی بر جای نهاد و تعهدات پولی را عملاً و قانوناً فاقد ضمانت اجرا گذاشت و منجر به عدم ایفای تعهدات پولی از سوی متعهدین به‌ویژه بدهکاران بانکی شد، در نهایت سبب گردید خسارت تأخیر تادیه با چهره‌ای جدید در قالب ماده‌ی ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی در سال ۱۳۷۸، به‌عنوان آخرین اراده‌ی قانون‌گذار، به نظام حقوقی ایران وارد شود؛ همین مسئله تردیدهایی جدی را در مورد ماهیت حکم این ماده ایجاد نمود. محل تردید و موضوع پرسش آن بود که آیا آنچه مورد تجویز قانون‌گذار در ماده‌ی ۵۲۲ قانون جدید قرار گرفته، جبران خسارتی است که به سبب عدم پرداخت به‌موقع طلب پولی بستانکار در موعد مقرر، به وی وارد آمده «یا با توجه به عدم اصالت پول و ملاک‌بودن ارزش اقتصادی آن، نظام حقوقی ایران در این شرایط، تنها پرداخت ارزش واقعی پول موردتعهد را پذیرفته و نه مبلغی مازاد بر آن را به‌عنوان خسارت ناشی از عدم انجام به‌موقع تعهد؟»^۱ در همین راستا در واپسین روزهای سال ۱۳۹۹، هیئت عمومی دیوان عالی کشور، اقدام به صدور رای وحدت رویه‌ی بحث‌برانگیزی نمود که وضعیت موجود را تا حدودی دگرگون ساخت. بر اساس این رای، تعیین وجه التزام تعهدات پولی، بیش از شاخص بانک مرکزی تا هر میزان و البته به شرط عدم مغایرت با قوانین امری از جمله مقررات پولی، معتبر شناخته شد؛ به عبارت دیگر با توجه به صدور رای وحدت‌رویه‌ی مذکور، این امکان برای اشخاص وجود دارد تا از گذر توافق، افزون‌بر جبران کاهش ارزش پول، امکان جبران خسارتی را نیز که به سبب عدم دسترسی به‌موقع متعهدله به پول خویش، به وی وارد آمده است، فراهم آورند. اما پرسش جدی در این‌باره آن است که آزادی اشخاص و طرفین قراردادی در تعیین این مبلغ تا کجاست؟ آیا طرفین آزادند به هر نحو و میزان که بخواهند مبلغ قابل‌پرداخت در فرض تأخیر در ایفای تعهدات پولی را مشخص کنند یا آن که اصول و قواعدی از قلمرو آن می‌کاهد؟ در نظام حقوقی انگلستان، مباحث مذکور، پیشینه‌ی نسبت طولانی دارد؛ بنابراین سعی بر آن است تا با مطالعه در نظام حقوقی آن کشور و تطبیق مباحث با حقوق ایران، به تبیین درست و روشنی از موضوع دست پیدا کنیم. نظر به این که آنچه در ابتدا از ماهیت خسارت تأخیر تادیه به ذهن متبادر می‌شود، کاهش ارزش پول در مقام ضمان جعلی است، نخست خسارت تأخیر تادیه را به عنوان ضمان جعلی بررسی خواهیم کرد (مبحث یکم)، سپس به خسارت تأخیر تادیه در معنای واقعی خود در مقام ضمان قهری می‌پردازیم (مبحث دوم).

۱- خسارت تأخیر تادیه به عنوان ضمان قراردادی

ضمان قراردادی یا جعلی عبارت است از ضمانی که طرفین برای خود جعل نموده‌اند؛ به عنوان مثال در تعهد به پرداخت مبلغ معینی در سررسید مشخص، در صورتی که متعهد به تعهد خویش مبنی بر پرداخت مبلغ دین پایبند نباشد و در انجام تعهد خود تأخیر نماید، از آن جایی که «زمان» جزئی از تعهد بوده که انجام نشده و در اثر گذر آن، از ارزش پول کاسته شده، ضروری است کاهش ارزش پول در اثر تأخیر در انجام تعهد در سررسید معین، با پرداخت خسارت تأخیر تادیه جبران شود تا در واقع متعهد اصل تعهد خود را انجام داده و برائت ذمه حاصل گردد.

در این مبحث به بررسی خسارت تأخیر تادیه به عنوان ضمان قراردادی تا میزان نرخ تورم (بند یکم) و بیش از نرخ تورم (بند دوم) خواهیم پرداخت.

۱-۱ خسارت تأخیر تادیه تا میزان نرخ تورم

در مقام تحلیل ماده‌ی ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی، چنین به نظر می‌رسد که ماده‌ی مذکور، میان «خسارت تأخیر تادیه به‌معنی واقعی آن» و «کاهش ارزش پول» خلط و با این که به ظاهر از خسارت تأخیر تادیه صحبت کرده، ولی در واقع به کاهش ارزش پول

۱. ایرج، بابایی، حقوق مسئولیت مدنی مبتنی بر نقد و بررسی آراء و رویه‌ی قضایی، ج ۱، (تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه، چ ۴، ۱۳۹۹)، ص ۱۶۲.

پرداخته است. در این ماده با آن که از عنوان خسارت تأخیر تأدیه استفاده نشده، ولی در تبصره‌ی ۲ ماده‌ی ۵۱۵ همان قانون، خسارت تأخیر تأدیه را در موارد قانونی قابل مطالبه دانسته که منظور از آن، همان حکم مقرر در ماده‌ی ۵۲۲ است. به‌ویژه آن که ماده‌ی ۵۲۲، ذیل فصل دوم و تحت عنوان «خسارت»، پیش‌بینی شده که حاکمی از آن است که قانون‌گذار در مقام بیان خسارت تأخیر تأدیه‌ی دیون پولی بوده است. این در حالی است که دقت در ماده‌ی ۵۲۲ نشان می‌دهد که قانون‌گذار کاهش ارزش پول در اثر تورم را بیان کرده است.^۲ در واقع براساس ماده‌ی ۵۲۲، بدهکار با پرداخت مبلغی اضافی بر اساس نرخ تورم، در واقع، اصل تعهد خود را ایفا می‌کند و این پرداخت، خسارتی افزون بر اصل تعهد نیست^۳ و حکم دادگاه به استناد ماده‌ی مذکور مبنی بر محکومیت مدیون تعهد پولی به پرداخت معادل میزان کاهش ارزش پول موردتعهد در کنار اصل آن، جزء اصل تعهد موردتوافق است (ضمان جعلی) نه خسارت (ضمان قهری). دلیلی چند بر اثبات این مدعا یافت می‌شود:

الف) دلیل اصلی نسخ مقررات پیش از انقلاب اسلامی درخصوص خسارت تأخیر تأدیه‌ی تعهدات پولی و در راس آن‌ها ماده‌ی ۷۱۹ قانون آیین دادرسی مدنی پیشین، اعتقاد بر عدم انطباق آن‌ها با شرع از حیث ربوی بودن بود و یکی از دلایلی نیز که دکتربین به جبران خسارت تأخیر تأدیه‌ی دین پولی، به معنای خسارت ناشی از عدم انجام به‌موقع تعهد، روی خوش نشان نمی‌دهند، همین شبهه‌ی ربوی بودن آن است^۴ و بر همین اساس، چاره‌ای جز تحلیل حکم ماده‌ی ۵۲۲ به پرداخت ارزش واقعی پول ندارند.

ب) دلیل دیگری که در اثبات ماهیت مذکور برای ماده‌ی ۵۲۲ عنوان می‌شود آن است که قانون‌گذار، نرخ تورم اعلامی بانک مرکزی را به‌عنوان معیار مبلغ قابل پرداخت تعیین کرده است، در حالی که جبران خسارتی که در اثر افزایش قیمت‌ها و عدم پرداخت به‌موقع از سوی بدهکار به بستانکار وارد آمده، قاعدتاً باید تابع قواعد عمومی ضمان باشد^۵ که در آن، اصل بر جبران کامل خسارت به‌گونه‌ای است که زیان دیده به وضعیت پیش از ورود زیان بازگردانده شود (در مسئولیت قهری) یا در موقعیتی قرار گیرد که در صورت اجرای صحیح قرارداد، در آن جای می‌گرفت (در مسئولیت قراردادی)^۶ و تعیین معیاری غیرقابل تخلف برای محاسبه‌ی خسارت ادعایی که غالباً تمام خسارات ناشی از تأخیر را جبران نمی‌کند، با این امر سازگار نیست.^۷

پ) بر خلاف گذشته که پول، معرف مقداری طلا و نقره بود که ارزش ذاتی داشت، امروزه و پس از رواج اجباری اسکناس، رابطه‌ی ارزش پول، با طلا و نقره از میان رفته است و نه تنها پول مقداری از طلا و نقره نیست، بلکه نماینده‌ی مقدار معینی از این فلزهای گران‌بها نیز محسوب نمی‌شود.^۸ بنابراین پول دارای ارزش اعتباری است، نه ذاتی و عینی و اسکناس تنها نماینده‌ی واحدی از پول است^۹؛ در نتیجه ارزش پول، به قدرت خرید و قدرت مبادله‌ی آن است.^{۱۰} با تحلیل ماهیت پول، مشخص می‌شود که جبران کاهش ارزش پول، جزئی از اصل دین و به‌منزله‌ی ایفای اصل تعهد است^{۱۱} نه مازاد بر آن. در حقیقت همان‌گونه که در تعهدات غیرپولی، متعهد

^۲. عباس، محمدهادی؛ کریمی، جواهرکلام، «تحلیل رای وحدت‌رویه‌ی شماره‌ی ۷۳۳ هیأت عمومی دیوان عالی کشور؛ با تأکید بر ماهیت پول و تمایز کاهش ارزش پول، خسارت تأخیر تأدیه و خسارت ناشی از افزایش قیمت‌ها»، دانش‌نامه‌ی حقوق اقتصادی، شماره ۱۷ (۱۳۹۹)، ص ۹.

^۳. کامران، آقای، «ماده‌ی ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی در آیین نظریه‌ی تعدیل پول»، فصل‌نامه‌ی تحقیقات حقوقی، شماره‌ی ۸۰ (۱۳۹۶)، ص ۲۵۱.

^۴ مهدی، شهیدی، حقوق مدنی: آثار قراردادهای و تعهدات، ج ۳، (تهران: مجد، چ دهم، ۱۴۰۱)، ص ۲۸۴ و ناصر، کاتوزیان، قواعد عمومی قراردادها، ج ۴، (تهران: سهامی انتشار، چ ۹، ۱۳۹۳)، ص ۲۴۸-۲۶۴ و سیدحسن، وحدتی شبیری، «مطالعه‌ی تطبیقی تأخیر تأدیه در حقوق ایران و فقه امامیه»، فصل‌نامه اقتصاد اسلامی، شماره‌ی ۱۲ (۱۳۸۲)، ص ۱۰۶.

^۵. عباس، محمدهادی؛ کریمی، جواهرکلام، پیشین، ص ۲.

^۶. سیدحسین، حبیب‌اله؛ صفایی، رحیمی، مسئولیت مدنی تطبیقی، (تهران: شهر دانش، چ دوم، ۱۳۹۹)، ص ۵۶.

^۷. این استدلال بر نظری استوار است که توافق طرفین به میزان بیش از نرخ تورم را مجاز نمی‌داند که نظر پذیرفته‌شده در رای وحدت‌رویه‌ی اخیر برخلاف آن است.

^۸. ناصر، کاتوزیان، نظریه‌ی عمومی تعهدات، (تهران: نشر میزان، چ دهم، ۱۴۰۰)، ص ۵۱ و ۵۲.

^۹. ناصر، ابوالقاسم؛ مکارم شیرازی، علیان‌زادی، ربا و بانکداری/اسلامی، (قم: انتشارات امام علی بن ابی طالب، چ اول، ۱۳۹۵)، ص ۱۴۴ و ۱۴۵.

^{۱۰}. مهدی، شهیدی، پیشین، ص ۲۸۱.

^{۱۱}. کامران، آقای، پیشین، ص ۲۵۳.

با تسلیم عین موضوع تعهد، وفای به عهد می‌کند و در غیر این صورت مرتکب نقض عهد شده، در تعهدات پولی نیز متعهد باید همان ارزشی را که گرفته است، بازگرداند تا وفای به عهد محقق شود.^{۱۲} چرا که در تعهدات پولی، متعهد، قدرت خریدی را تحصیل می‌کند نه کاغذ اعتباری و ارزش اسمی را. بنابراین متعهد دین پولی باید افزون بر ارزش اسمی آن، به میزان نرخ تورم، کاهش ارزش پول را جبران کند تا اصل پولی را که گرفته است، بازگرداند.^{۱۳} حتی حقوق‌دانانی نیز که برای حکم مندرج در ماده‌ی ۵۲۲، ماهیت جبران خسارت قائل هستند، نفی ماهیت جبران خسارت را با توجه به ماهیت پول، قابل توجیه می‌دانند.^{۱۴}

در حقوق انگلیس - پس از عبور از قواعد سنتی مبنی بر عدم امکان پرداخت مبلغ مازاد بر دین و به رسمیت شناختن امکان پرداخت خسارت تاخیر تادیه در دیون پولی (که در بند آتی مفصل بیان خواهد شد) - در تقویم خسارات قراردادی، دادگاه، جمیع شرایط و احوال موثر را مدنظر قرار می‌دهد، از جمله شرایطی که می‌توان در این خصوص، بدان اشاره کرد، بحث تورم است. در واقع، در حقوق انگلیس، مقررات ویژه‌ای پیرامون جبران کاهش ارزش پول و تاثیر آن در تعهدات مالی وضع نشده است، اما این به معنای بی‌توجهی کامل به مسئله‌ی مذکور نمی‌باشد؛ چرا که محاکم با توجه به اختیاری که در بررسی شرایط و اوضاع مختلف برای تقویم خسارت تاخیر تادیه دارند، عامل تورم را نیز به‌عنوان یکی از معیارهای موثر در رای نهایی خویش منظور می‌کنند و درواقع، ضمن حکم به پرداخت بهره، ارزش کاهش‌یافته‌ی پول را نیز می‌توانند مورد حکم قرار دهند.^{۱۵} البته قواعد اخیر، از اختیارات بالقوه‌ی محاکم است، اما واقعیت‌های فعلی کشور انگلیس غیر از تاثیری که اخیراً شیوع کرونا بر افزایش تورم گذارده است، به لحاظ ثبات اقتصاد آن کشور، به‌طور کلی، حکایت از درصد بسیار پایین تورم دارد.

۱-۲ خسارت تاخیر تادیه بیش از نرخ تورم

با وجود حکم مقرر در ماده ۵۲۲ آیین دادرسی مدنی، پرسشی ذهن حقوق‌دانان را به خود مشغول کرده بود، مبنی بر این که آیا اشخاص می‌توانند در قراردادهای فی‌مابین، برای تعهدات پولی، وجه التزامی بیشتر از شاخص بانک مرکزی تعیین کنند؟ پیش از این، دیدگاه بیشتر محاکم و اداره‌ی حقوقی قوه قضائیه^{۱۶} و حقوق‌دانان^{۱۷} این بود که تصریح ماده‌ی ۲۳۰ قانون مدنی به این که در تعیین وجه التزام، سقفی وجود ندارد و دست طرفین در تعیین وجه آن باز است و هیچ‌کس نمی‌تواند به تعیین رقمی کمتر یا بیشتر، طرفین قرارداد را مجبور کند، تنها ناظر به تعهدات غیرپولی است و تعهدات پولی، مشمول ماده‌ی ۵۲۲ قانون آئین دادرسی مدنی می‌شود و وجه التزامی که برای آن‌ها می‌توان تعیین کرد، صرفاً به میزان شاخص اعلامی رسمی بانک مرکزی، یعنی همان نرخ تورم است. اما رای وحدت‌رویه‌ی شماره‌ی ۸۰۵ دیوان عالی کشور در خصوص «تعیین وجه التزام قراردادی به‌منظور جبران خسارت تاخیر در ایفای تعهدات پولی» که در روزهای پایانی سال ۱۳۹۹ به تصویب هیئت عمومی دیوان عالی کشور رسید، تعیین وجه‌التزام تعهدات پولی بیش از شاخص بانک مرکزی تا هر میزان و البته به شرط عدم مغایرت با قوانین امری از جمله مقررات پولی را به رسمیت شناخت. بر این اساس، اشخاص می‌توانند در قراردادهای فی‌مابین، برای تعهدات پولی نیز وجه‌التزامی بیش از شاخص بانک مرکزی تعیین کنند. بنابراین مطابق این رای وحدت‌رویه (که از جهات مختلفی طبق اصول و قواعد نظام حقوقی ایران قابل نقد است^{۱۸})، این امکان برای

^{۱۲}. علی‌اکبر، حمید، حسین؛ یزدی‌فرد، ابهری، بهرامی، «مفهوم و ماهیت پول و ضمان مربوط به کاهش ارزش و خسارت تاخیر تادیه در بازپرداخت قرض اسکناس»، فصل‌نامه‌ی مطالعات فقه و حقوق اسلامی، شماره ۲۷ (۱۳۹۱)، ص ۱۴.

^{۱۳}. سیدمحمد، موسوی بجنوردی، «بررسی و نقد نظریات برخی از اندیشوران اسلامی درباره‌ی ماهیت پول»، فصل‌نامه‌ی رهنمون، شماره ۶ (۱۳۷۲)، ص ۱۰۸.

^{۱۴}. ایرج، بابایی، پیشین، ص ۱۶۹.

^{۱۵}. فردریک، میشیکین، پول، ارز، بانکداری، ترجمه‌ی علی جهانخانی و علی پارسایان، (تهران: انتشارات سمت، چ ۱۳، ۱۳۹۶)، ص ۱۰۹.

^{۱۶}. نظریات مشورتی شماره‌ی ۴۵۵۸/۷ مورخ ۱۳۹۰/۱۱/۰۱ و ۱۷۴۷/۹۲/۷ مورخ ۱۳۹۹/۰۹/۰۹ اداره‌ی حقوقی قوه قضائیه.

^{۱۷}. ناصر، کاتوزیان، قواعد عمومی قراردادها، ج ۴، (تهران: سهامی انتشار، چ ۹، ۱۳۹۳)، ص ۲۳۴.

^{۱۸}. برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به: غلامعلی، صدقی، «وجه التزام ناشی از تعهدات پولی: تحلیل مبانی فقهی و حقوقی و پاسخ به سوالات، اشکالات و ابهامات رای وحدت‌رویه‌ی ۸۰۵

هیئت عمومی دیوان عالی کشور»، مجله‌ی مجموعه‌ی حقوقی (دیوان عالی کشور)، شماره‌ی ۱ (۱۴۰۰)، ص ۲۶۷-۲۶۰.

طرفین قراردادی فراهم آمد تا افزون بر جبران کاهش ارزش پول طبق نرخ تورم اعلامی از سوی بانک مرکزی، از طریق درج شرط ضمن عقد و از رهگذر قرارداد، بر لزوم پرداخت مبلغی بالاتر از آن از سوی شخصی که در ایفای تعهد پولی خود تاخیر می‌ورزد نیز توافق کنند و از این طریق، راه برای جبران خساراتی که به سبب تاخیر در دریافت آن به متعهدله وارد می‌آید نیز گشوده شد.

اما پرسشی که پیش می‌آید آن است که حدود آزادی طرفین در تعیین مبلغ قابل پرداخت تا چه میزان است؟ آیا ایشان آزادند که به هر نحو و میزان که بخواهند مبلغ مذکور را تعیین کنند؟ برای دستیابی به این پرسش، بهتر آن است که در آغاز دیدگاه و رویکرد نظام حقوقی انگلستان را در این باره مورد بررسی قرار دهیم تا از رهگذر مطالعه‌ی تطبیقی، به راه‌حل مناسبی دست یابیم.

در ارتباط با بهره‌ی پول در میان قواعد سنتی کامن‌لا، دو قاعده وجود داشت. نخستین قاعده چنین اشعار می‌دارد که (۱) چنانچه نقض قرارداد، شامل قصور خواننده در پرداخت پول باشد، ضرر و زیان خواهان تنها همان مبلغ معین اصلی را شامل می‌شود و قاعده‌ی دیگر نیز بر این مبتنی است که (۲) دین به‌تنهایی نمی‌تواند واجد منفعت باشد و برای آن سودی منظور نخواهد شد و به‌دیگر سخن برابر با این قاعده، «پول سودی به همراه ندارد». این دو قاعده درواقع برگرفته از قواعد اخلاقی کلیسا بود.^{۱۹} بنابراین مدیون می‌توانست با اعمال مطلق قواعد مذکور، از پرداخت مبلغی مازاد بر مبلغ اصل دین معاف شود و همین موضوع برای بستانکاران با توجه به نرخ‌های بهره و تورم، مشکل‌آفرین شد. درجهت رفع این مشکل، کمیسیون مشورتی حقوقی، طی گزارشی در سال ۱۹۷۸ از دولت خواست که این قاعده اصلاح شود، اما دولت با آن پیشنهاد مخالفت ورزید.^{۲۰}

با این وجود، مراتب فوق مانع از آن نشد که قواعد اخیر، به‌صورت مطلق باقی بماند. بلکه هم قانون‌گذار انگلیس و هم دادگاه‌های این کشور، به‌تدریج به تخصیص قواعد یادشده مبادرت و دایره‌ی شمول آن را بسیار محدود نمودند که می‌توان به‌ترتیب به موارد ذیل اشاره کرد:

الف) توافق طرفین: از استثنائات این قاعده که توسط محاکم انصاف وضع شده، آن است که اگر طرفین صریحاً پرداخت خسارت تاخیر تادیه را در قرارداد خود شرط کنند و توافق نمایند که در صورت تاخیر در پرداخت به‌موقع وجه نقدی که مبلغ آن مشخص است، طرف مقابل باید سود و بهره‌ی پول را به زیان‌دیده پرداخت کند، این توافق، معتبر و نافذ تلقی و نقض‌کننده‌ی شرط مذکور، مکلف به جبران خسارات مذکور خواهد شد. البته این وضعیت، خود دو احتمال دارد؛ یکی آن که مبلغ خسارت نیز در قرارداد معین شده باشد، دیگری آن که تعیین آن به‌عهده‌ی دادگاه یا داور گذارده شده باشد.

ب) شرط ضمنی در قرارداد: هرگاه از کلیه‌ی اوضاع و احوال مرتبط با قرارداد این شرط ضمنی استخراج شود که طرفین در حین انعقاد قرارداد، به لزوم جبران خسارت تاخیر تادیه توسط طرف ناقض قرارداد توجه داشته‌اند، دادگاه با استنباط شرط مذکور، مکلف به تبعیت از آن و منظور نمودن خسارت مذکور می‌باشد.^{۲۱}

پ) هرگاه دین، از وثیقه‌ی تجاری ناشی شود: بدین معنی که در معاملات تجاری، شخصی در ازای دین خود، وثیقه‌ای قرارداده است و سپس در تادیه‌ی دین خود در موعد مقرر، قصور ورزد که در این صورت، بهره به دین تعلق خواهد گرفت.^{۲۲} در این خصوص، ماده‌ی ۹ «قانون بهره‌ی تأخیر در پرداخت دیون تجاری مصوب ۱۹۹۸»^{۲۳}، به طرفین قرارداد، که معمولاً شامل شرکت‌های تجاری یا مدنی می‌شود، این امکان را می‌دهد که نرخ بهره را تغییر دهند. این تغییرات مشروط به این است که نرخ بهره‌ی تعیین‌شده دارای ضمانت اجرایی مؤثر باشد. مفهوم ضمانت اجرایی مؤثر بدین معناست که نرخ بهره‌ی توافق‌شده، باید عادلانه و منطقی باشد، به‌گونه‌ای که بتواند خسارات ناشی از تأخیر در پرداخت دیون تجاری را جبران کند و همچنین موجب ایجاد انگیزه برای پرداخت به‌موقع دیون توسط

19. William, V. Reynolds, *An introduction to the law of contract*, (Oxford clarendon press, forth. ed., 1990), p. 484.

20. Cheshire, Fifoot and Furmstons, *Law of contract*. (London: Butter worts, seventeenth. ed. 1986), P 2017.

21. Treitel, Guenter H, *An outline of the Law of contract*, (Oxford University Press, 6th Ed. 2005), p.306.

22. Barker, Pafifield.coline.F, *Law mad simple*, (twelve. ed. ,2002), P 241.

23. Late payment of commercial debts Act 1998, Article 9.

بدهکاران شود. به‌دیگرسخن، نرخ بهره توافقی، نباید کمتر از خسارت ناشی از کاهش ارزش پول و نیز خسارت ناشی از محرومیت متعهدله از بهره‌بردن از منافع پول، در مدت زمان تأخیر (بهره)، باشد؛ در غیر این صورت، بدهکاران ممکن است تمایل داشته باشند که پرداخت دیون خود را به تأخیر بیندازند. بدین ترتیب، این امکان قانونی برای تمامی کسب و کارها و نیز بخش عمومی فراهم آمد تا بتوانند بهره‌ی ناشی از تأخیر در تادیه‌ی تعهدات پولی قراردادی را از دیگر کسب و کارها و دیگر بخش‌های عمومی، مطالبه کنند.

ت) تأخیر تادیه در دیون ناشی از سفته و برات که این استثنا در مقررات مربوط به اسناد تجاری مذکور وضع گردیده است.^{۲۴}

اما پرسش اساسی در نحوه‌ی جبران خسارت و محاسبه‌ی میزان خسارت تأخیر تادیه مطرح می‌گردد؛

در نظام حقوقی انگلستان، تعیین خسارت ناشی از نقض قرارداد به دو روش انجام می‌شود: نخست، «خسارات ازپیش تعیین شده»^{۲۵} یا «خسارت توافق شده»^{۲۶} که این نوع خسارت، مبلغی است که طرفین قرارداد از پیش در متن قرارداد مشخص کرده‌اند، به‌گونه‌ای که چنانچه یکی از طرفین به تعهدات خود عمل نکند، طرف زیان‌دیده می‌تواند بر اساس این توافق، مبلغ مذکور را مطالبه کند و دوم، «وجه التزام قضائی»^{۲۷}، در این شیوه، تعیین میزان خسارت، به قاضی یا داور رسیدگی‌کننده واگذار می‌شود. در واقع، این نوع خسارت بر اساس ارزیابی قاضی یا داور و شرایط خاص پرونده تعیین می‌گردد. اصولاً در حقوق انگلستان، اصل آزادی طرفین در توافقات، معتبر است و تا جایی که توافق بر میزان خسارت تأخیر تادیه، بیانگر تخمین صادقانه از میزان زیانی باشد که در اثر نقض قرارداد، به طرف زیان‌دیده وارد می‌آید، معتبر خواهد بود و دادگاه‌ها خود را مکلف به پذیرش آن و عدم دخالت در کم‌وکیفش دانسته و برای خویش، اختیاری بر دخل و تصرف در آن قائل نیستند.^{۲۸} البته لازم به ذکر است که شرط تعیین خسارت در قراردادها، در هر دو نظام حقوقی ایران و انگلیس تنها در صورتی معتبر و مؤثر است که تمام شرایط لازم برای صحت قرارداد در آن رعایت شده باشد. در غیر این صورت، آن شرط باطل و بی‌اثر تلقی خواهد شد. در حقوق انگلیس می‌توان آرای متعددی را مشاهده کرد که به دلیل بطلان و عدم اعتبار شرط، دادگاه به آن توجهی نکرده است. برای نمونه، در یک پرونده^{۲۹}، خواهان که یک دلال پشم بود، پس از بازنشستگی‌اش، از سوی خوانده (کارفرمایش) پیشنهادی برای دریافت حقوق بازنشستگی دریافت کرد، مشروط بر این که [به طور غیرمنصفانه‌ای] با کارفرمای سابق خود رقابت نکند. با این حال، او بعداً برای دریافت حقوق بازنشستگی معوقه‌اش، خوانده را تحت تعقیب قرار داد. دادگاه تجدیدنظر اعلام کرد که توافق برای پرداخت حقوق بازنشستگی موجب محدودیت‌های تجاری شده و شرط مذکور به دلیل نامعقول (تحمیلی) بودن، جامعه را از خدمات خواهان بی‌بهره می‌ساخته است.^{۳۰} اما در صورتی که شرط قراردادی الزام به پرداخت خسارت تأخیر تادیه، تخمین صادقانه‌ای از میزان زیان نباشد، بلکه بیشتر ماهیتی مبنی بر تهدید و مجازات متخلف و به‌دیگرسخن، جنبه‌ی تحذیری داشته باشد تا طرف متعهد را به اجرای تعهد خود وادارد و درواقع، هدف از اشتراط آن، واداشتن متعهد به اجرای تعهد اصلی باشد، «شرط جریمه»^{۳۱} یا تنبیهی نام دارد. رویه‌ی قضایی، در بعضی موارد ملاک‌هایی را در این خصوص، در جهت راهنمایی محاکم ارائه نموده است؛ از جمله این که، هرگاه مبلغ تعیین شده در قیاس با بیشترین زیان زیان‌دیده به جهت نقض قرارداد، آن‌چنان مبالغه‌آمیز و غیرمنصفانه باشد که نتوان آن را معقول و متناسب تلقی کرد، این شرط، جزء شروط تنبیهی بوده و از اجرای آن خودداری می‌شود. به‌طور مشخص، آن‌گاه

24. Barker, Pafifield.coline.F, *Law mad simple*, (twelve. ed. ,2002), P 241.

25. Liquidates damages

26. Agreed damages

27. Unliquidated damages

28. Carter, J. & Peden, E, "A Good Faith Perspective on Liquidated Damages", *Kournal of Contract law*, Vol 23. No. 3, p.157.

29. Wyatt v. Linger and fernau" c.a, 1933.

30. Jackson Powell(J), *Professional negligence*, (London. Sweet & Maxwell, 3th. Ed.1992), p. 89.

31. Penalty damages

که نقض قرارداد، ناشی از عدم پرداخت دین پولی بوده و مبلغی که به عنوان ضمانت اجرای نقض بر طبق قرارداد قابل پرداخت است، بیش از اصل مبلغ مورد تعهد باشد، این شرط، تنبیهی دانسته می‌شود.^{۳۳} از آن جایی که شروط مذکور، به گونه‌ی معقولی در جهت تقویم خسارات واقعی درج نمی‌شوند و از سویی دیگر، هدف اصلی از جبران خسارات قراردادی، قراردادن خواهان در وضعیتی است که تصور می‌شد در صورت انجام تعهدات قراردادی از سوی طرف مقابل، در آن وضعیت قرار می‌گرفت، شرط جریمه، هدف مذکور را نقض می‌کند؛ بنابراین دادگاه‌های انگلیس این شرط را غیرقابل اجرا محسوب کرده و از معتبر دانستن آن امتناع ورزیده و خود، درصد تعیین و تقویم خسارات وارده در اثر نقض قرارداد برمی‌آیند؛ گویی که قرارداد در این خصوص، متضمن شرطی نبوده است^{۳۳} و حکم به تعدیل وجه التزام تحمیلی (غیر منصفانه) می‌دهند.^{۳۴} دادگاه‌ها در این باره اغلب، نرخ تجاری را برای تعیین میزان خسارت وارده، به کار می‌گیرند. دادگاه‌ها معمولاً برای محاسبه خسارت‌های وارد شده، از نرخ تجاری استفاده می‌کنند. این نرخ بر اساس ادله‌ی ارائه شده توسط طرفین یا در برخی موارد، بر اساس نرخ خواهان در پرونده‌های مشابه، برای تعیین مبلغ پرداختی تعیین می‌شود.^{۳۵}

اما در حقوق ایران تفکیکی میان دو این قسم از شروط دیده نمی‌شود و پرسشی که پیش می‌آید آن است که حدود آزادی طرفین در تعیین مبلغ قابل پرداخت تا چه اندازه است؟ آیا ایشان آزادند که به هر نحو و میزان که بخواهند مبلغ مذکور را تعیین کنند؟ چنانچه در متن خود رای وحدت رویه ملاحظه می‌گردد، تعیین وجه التزام تعهدات پولی به میزان بیش از نرخ تورم، مشروط به عدم مغایرت با قوانین و مقررات امری گردیده و در قسمت اخیر آن نیز به ماده‌ی ۶ قانون آیین دادرسی مدنی استناد شده است. موضوع کلیدی در این خصوص آن است که قوانین و مقررات امری در این زمینه شامل چه مواردی است؟ مثلاً ماده‌ی ۴۶ قانون تجارت الکترونیکی به عنوان یکی از مبانی محدودکننده‌ی تعیین وجه التزام است؛ چرا که قانون مذکور، بحث شروط تحمیلی (غیر منصفانه) را مطرح و مقرر داشته است در شروطی که در قراردادها لحاظ می‌گردد، باید درجه‌ای از انصاف رعایت شده باشد و یا قانون حمایت از مصرف کننده که الزامات مشخصی را معین کرده است. همچنین در قانون دریایی به امکان ابطال یا تغییر قراردادهای کمک و نجاتی که تحمیلی باشد، اشاره شده است.^{۳۶} در قوانین بالا، بر لزوم منصفانه بودن شروط نسبت به مصرف کنندگان تاکید شده و شروط تحمیلی معتبر شناخته نشده است. از سوی دیگر، در رای وحدت رویه‌ی اخیر، به ماده‌ی ۶ قانون آیین دادرسی مدنی، استناد شده است که مقرر می‌دارد: «عقود و قراردادهایی که مخل نظم عمومی یا برخلاف اخلاق حسنه که مغایر با موازین شرع باشد، در دادگاه قابل ترتیب اثر نیست.» به همین جهت و با استناد به قاعده‌ی لاضرر می‌توان گفت شروط تعیین خسارت ناشی از عدم ایفای به موقع تعهدات پولی تا جایی معتبر است که مخل نظم عمومی نباشد؛ بدین معنا که صرفاً به جهت پوشش خسارات وارده به داین پرداخت گردد و منجر به **صدق عنوان ربا** نشود. درواقع نیز در مواردی که خسارت تاخیر تادیه به مبالغی گزاف شرط می‌شود، مشخص است که هدف از آن نه جبران واقعی خسارت، بلکه بیشتر تهدید و کیفری برای شخصی است که در ایفای تعهد پولی خود، تاخیر می‌کند.

³². Tritel, Op.cit and Pafifield, Op.cit.

³³Shaw,R, Liquidates damages: Update Following Ringrow v BP, https://www.Lavan.com.au/images/galleries/Lavan_Liquidated_damages_update_following_Ringrow_v_BP_22_March_2012.Pdf, 2012. p. 1.

³⁴ Chity, *Chity on Contracts*, (London: Sweet and Maxwell, 2004), p. 109.

³⁵. Gotanda, John Y, *A study of interest*, (Villanova University School of Law Public Law and Legal Theory, No.10 2007), p. 16.

در جهت تحلیل بهتر موضوع در مبحث آینده، صوری که در قالب آن‌ها خسارت تاخیرتادیه مازاد بر نرخ تورم به عنوان **خسارت ناشی از تاخیر در انجام تعهد** قابل مطالبه خواهد بود، بررسی می‌گردد تا از رهگذر آن، حدود آزادی طرفین در تعیین انواع خسارات تاخیر تادیه مازاد بر نرخ تورم که منجر به ربا نمی‌شود و شرایط حاکم بر آن‌ها نیز ترسیم گردد.

۲- خسارت تاخیر تادیه به عنوان ضمان قهری

در بررسی خسارت تاخیر تادیه در قالب ضمان قهری به این مسئله خواهیم پرداخت که عدم انجام تعهد پولی در سررسید مشخص، ممکن است خساراتی را به متعهدله وارد سازد؛ برای نمونه در صورتی که متعهدله (که تاجر سرشناس است) مبلغ موضوع دین را در اختیار می‌داشت، می‌توانست آن را در معاملات سودآور سرمایه‌گذاری کند و با تاخیر متعهد در پرداخت دین در سررسید، از این رهگذر به ایشان خساراتی چند وارد آمده است. با صدور رای وحدت‌رویه‌ی شماره‌ی ۸۰۵ در سال ۱۳۹۹، صراحتاً امکان توافق طرفین بر مبلغی بیش از نرخ تورم بانک مرکزی به عنوان مبلغ قابل‌پرداخت در فرض تاخیر در پرداخت تعهد پولی تجویز شده، بنابراین می‌توان گفت ماهیت حکم مندرج در ماده‌ی ۵۲۲ ق.آ.د.م تا حد بسیار زیادی به جبران خسارت نزدیک شده است.

خسارت تاخیر تادیه در قالب ضمان قهری در چندین قالب قابل بررسی می‌باشد که در این مبحث تحت عنوان خسارت تاخیر تادیه در قالب خسارات نوعی (بند یکم)، خسارات مبتنی بر تقصیر شخص (بند دوم) و خسارت اتفاقی (بند سوم) بیان خواهد شد.

۲-۱ خسارت تاخیر تادیه در قالب خسارت نوعی

پول نوعاً در جامعه سود به همراه دارد و برای اثبات آن، دلیلی مطالبه نمی‌شود؛ در واقع خسارت نوعی، بهره یا سود پولی است که به عنوان امتیاز قرض‌دادن پول، به شخص داین پرداخت می‌شود و مدیون باید برای جبران استفاده از پول، آن را بپردازد، بدون آن که نیاز باشد تقصیر وی در ایراد خسارت یا میزان خسارت وارده توسط داین ثابت شود. بعضی از عواملی که در محاسبه‌ی نوع سود و نرخ آن دخیل هستند عبارت‌اند از: هزینه‌ی فرصت (هزینه‌ی عدم توانایی داین در استفاده از پول)، ریسک نکول یا ناتوانی مدیون در بازپرداخت پول، مدت زمانی که پول قرض داده می‌شود، احتمال مداخله‌ی دولت در نرخ سود و نقدینگی (در وام‌های بانکی). بنابراین برابر این قاعده که هرکس پول داشته باشد، می‌تواند از آن استفاده کند، این نوع از خسارت، بدون نیاز به اقامه‌ی ادله‌ی اثباتی، برای همگان قابل استناد خواهد بود. برای نمونه هنگامی که شخصی در بانک، حساب پس‌انداز افتتاح می‌کند، بانک به آن شخص، مبلغی را به‌عنوان سود می‌پردازد. این سود، هزینه‌ی فرصت‌های ازدست‌رفته سرمایه‌گذاری وی در بانک است؛ زیرا او می‌توانست پول خود را وارد بازارهای دیگری از جمله سهام، طلا، دلار، مسکن و ... کند.

بانک‌های مرکزی هر کشور با ابزارهایی که در دست دارند، نرخ بهره یا سود سالانه را تعیین می‌کنند؛ هرچه میزان نرخ بهره بالاتر باشد، وام‌دهنده سود بیش‌تری دریافت خواهد کرد و وام‌گیرنده نیز موظف است مبلغ بیش‌تری را بازپرداخت کند. در حقوق انگلستان، اگر بانک‌ها پس از پایان مهلت تعیین‌شده، اعتبارهای تخصیص‌یافته را با تأخیر به ذی‌نفع پرداخت کنند، موظف به پرداخت خسارت ناشی از تأخیر خواهند بود؛ برای نمونه در پرونده‌ی حقوقی میان شرکت صادرکننده گروه ازالید و بانک اروپایی آفریقا، مبلغ ۲۲,۱۲۵,۹۳۹ دلار به سود شرکت بریتانیایی حکم صادر شد. با این توضیحی که با وجود آن که مستندات لازم توسط ذی‌نفع، پیش از پایان اعتبار، تسلیم بانک شده بود، این بانک به مدت تقریبی دو ماه، در پرداخت مبلغ مذکور تأخیر کرد. در این فاصله، ارزش دلار آمریکا نسبت به پوند انگلستان ۱۰۳ برابر کاهش یافت و در نتیجه، صادرکننده مبلغ ۲,۹۸۷.۱۷ پوند را به عنوان خسارت ناشی از افت ارزش دلار از بانک درخواست کرد. دادگاه استدلال کرد که بانک باید آگاه می‌بود که صادرکننده بریتانیایی قصد دارد به محض دریافت به‌موقع اعتبار، مبلغ تخصیص‌یافته را به پوند تبدیل کند و همچنین کاهش ارزش دلار برای بانک قابل پیش‌بینی بود. بنابراین، افزون بر مبلغ خسارت،

دادگاه بانک را به پرداخت بهره نیز محکوم کرد. با توجه به رأی دادگاه، می‌توان گفت که بخشی از خسارت ناشی از تأخیر در پرداخت به دلیل کاهش ارزش پول و بخشی دیگر مربوط به بهره است که با شرایطی در حقوق انگلستان قابل مطالبه است.^{۳۷}

در حقوق ایران، ماده‌ی ۷۱۹ قانون آیین دادرسی مدنی سابق مصوب ۱۳۱۸، ذیل عنوان خسارت تأخیر تأدیه بیان می‌داشت: «در دعاوی که موضوع آن وجه نقد است ... خسارت تأخیر تأدیه معادل صدی دوازده (۱۲ درصد) محکوم‌به در سال است...». درواقع مطابق این ماده، صرف‌نظر از میزان نرخ تورم در جامعه (که منجر به کاهش ارزش پول می‌شود)، مدیون در صورت تأخیر در انجام تعهد پولی خود موظف است مبلغ مقطوعی خسارت به داین پرداخت نماید و برای مطالبه‌ی این خسارت نوعی، داین نیازی به اثبات تقصیر مدیون یا میزان خسارت واقعی که از این رهگذر به ایشان وارد شده، ندارد. به بیانی دیگر، ممکن بود در سالی که میزان نرخ تورم در جامعه ۱٪ است، مدیون موظف باشد که ۱۱٪ خسارت نوعی به عنوان سود پولی که در پرداخت آن تأخیر نموده و داین را از استفاده از آن محروم کرده است، پرداخت کند. به همین دلیل پس از وقوع انقلاب اسلامی، سازمان‌ها و مراجع قضایی پرسش‌ها و استفساریه‌های گوناگونی را درباره‌ی مشروعیت این نوع از خسارت تأخیر تأدیه مطرح کردند تا در نهایت امام خمینی (ره) در خصوص مواد ۳۶ و ۳۷ آیین‌نامه‌ی اجرایی مفاد اسناد رسمی، به‌صراحت این ماده را ربا و غیرشرعی اعلام کردند و شورای نگهبان نیز مواد مندرج در در قانون آیین دادرسی مدنی و سایر مواد پراکنده درباره‌ی خسارت تأخیر را برخلاف شرع دانست.^{۳۸}

در ارزیابی این دیدگاه باید گفت که تفاوت‌های اساسی میان ربا و خسارت تأخیر تأدیه در قالب خسارت نوعی (ناظر بر فرض عدم پرداخت به‌موقع تعهد پولی) وجود دارد^{۳۹} و بنابراین شائبه‌ی ربوی بودن آن محل نقد و تامل جدی است؛ هرچند که نگاه به پیشینه‌ی قانون‌گذاری در این موضوع پس از انقلاب اسلامی که به نسخ ماده‌ی ۷۱۹ سابق و وضع ۵۲۲ فعلی منتهی شد، نشان می‌دهد که علت چنین تغییری از سوی قانون‌گذار، ریشه در ربانگاری موضوع و تأمین نظرات فقهای شورای نگهبان برای رفع این مشکل داشته است. در واقع قصد مشترک طرفین قرارداد ربوی، پرداخت مال از یک طرف و بازپرداخت آن مال با اضافه‌ی معین به طرف دیگر است، در حالی که فلسفه‌ی پرداخت خسارت تأخیر تأدیه به عنوان خسارت نوعی، جبران خسارات وارده به شخص دائن به دلیل عدم توانایی وی در استفاده از پول خود در مدت معین و تضمین انجام تعهد پرداخت مال در موعد مقرر است و این مبلغ، بابت دیرکرد در بازپرداخت به‌موقع پول^{۴۰} متوجه طرف دیگر می‌شود^{۴۱} نه به عنوان مبلغ زیاده و اضافی.

در حقوق انگلیس همان‌گونه که در بند دوم مبحث یکم گفته شد، پس از گذار از مرحله‌ی عدم امکان دریافت خسارت در تعهدات پولی و سپس پذیرش امکان دریافت خسارت تأخیر تأدیه در صورت وجود شرط صریح یا ضمنی قراردادی، در نهایت براساس بخش ۳ از قانون اصلاح قوانین متفرقه مصوب ۱۹۳۴ م.، به دادگاه‌ها اختیار داده شد که بدون لزوم توجه به شروط صریح و ضمنی و به‌طور مطلق، در تمامی موارد تأخیر در پرداخت دیون پولی، براساس شرایط حاکم بر آن‌ها و به شرط این که از آن‌ها درخواست شود، بهره (خسارت نوعی) را محاسبه و در رای خود منظور نمایند. طبق ماده‌ی ۱۷ قانون احکام دادگاه‌ها مصوب ۱۸۳۸ م.^{۴۲}، ماده‌ی ۳۵ قانون دادگاه عالی مصوب ۱۹۸۱ م. و ماده‌ی ۶۹ قانون دادگاه‌های بخش مصوب ۱۹۸۴ م.^{۴۳}، در صورتی که خواسته مربوط به وجه نقد باشد، دادگاه‌ها موظف به صدور حکم پرداخت بهره ساده هستند. این حکم شامل تمامی مواردی است که منبع طلب، دین یا خسارت باشد و

³⁷. Ozalid Group Export Ltd V. African Continental, 1979.

³⁸. سیدعباس، موسویان، بررسی فقهی- حقوقی قوانین مربوط به جرمه و خسارت تأخیر تأدیه در ایران، (تهران: جنگل، چ اول، ۱۳۸۹)، ص ۳۷.

³⁹. محمد مهدی، توکلی، حقوق مدنی، ج ۱، (تهران: مکتوب آخر، چ دوم، ۱۳۹۹)، ص ۳۷۹.

⁴⁰. همان، ص ۳۸۰.

⁴¹. ایرج، بابایی، پیشین، ص ۱۶۷.

⁴². Judgments Act 1838, Article 17.

⁴³. Count court Act 1984, Article 69.

به مدت زمانی که دادگاه مناسب تشخیص دهد، تا زمان وصول طلب، بهره‌ی ساده، با نرخ ۸ درصد تعیین می‌شود. همچنین، امکان دارد دادگاه‌ها با توجه به شرایط موجود، حکم به پرداخت بهره‌ای تا سقف ۳۰ درصد نیز صادر کنند، مشروط بر این که این نرخ عادلانه و متعارف باشد. به طور کلی، دادگاه‌های بخش و عالی، در تعیین نرخ بهره‌ی عادلانه و مدت زمان آن (که می‌تواند از زمان ایجاد دعوی یا تاریخ مطالبه‌ی وجه یا هر زمان دیگری که مناسب بدانند، آغاز شود) دارای اختیارات قانونی هستند. افزون بر این، آن‌ها می‌توانند بخشی از دین یا خسارت را نیز مشمول بهره قرار دهند.^{۴۴} نتیجتاً با توجه به تحولات فوق، روند کلی محاکم انگلیس در حال حاضر این است که **بهره از طریق دریافت خسارت ناشی از تاخیر تادیه‌ی پول قابل مطالبه بوده و مدیون ملزم به جبران و تادیه‌ی خسارات مذکور شناخته می‌شود.**

۲-۲ خسارت تاخیر تادیه در قالب خسارت مبتنی بر تقصیر شخص

ممکن است شخصی ادعا کند که خسارتی که از قبل تاخیر در انجام تعهد پولی متعهد، به او وارد آمده، بیش از خسارت نوعی (موضوع بند یکم) است که نهادهای اقتصادی به عنوان هزینه‌ی عدم توانایی داین در استفاده از مبلغ موضوع دین (تحت عنوان سود یا بهره‌ی پول) تعیین نموده‌اند؛ برای نمونه در حاکمیت قانون پیشین که نرخ خسارت تاخیر تادیه بر اساس خسارت نوعی ۱۲٪ تعیین شده بود، ممکن بود شخصی ادعا نماید که در صورتی که آن پول در اختیار او بود، می‌توانست با سرمایه‌گذاری در پروژه‌های سودآور، ۲۰٪ سود به دست آورد. در چنین وضعیتی، مسئولیت مدنی مبتنی بر تقصیر مطرح خواهد شد؛ بدین معنا که برای جبران خسارت وارده (خسارت شخصی مورد ادعای داین)، اثبات تقصیر واردکننده‌ی زیان ضروری است. در واقع کسی مکلف به جبران زیان به عمل آمده می‌باشد که در ایجاد آن تقصیر داشته باشد. بنابراین برابر این دیدگاه، در صورت تاخیر در انجام تعهدات پولی، داین صرفاً مستحق دریافت کاهش ارزش پول (بر مبنای نرخ تورم) و خسارت نوعی ناشی از هزینه‌ی ازدست‌رفته در استفاده از پول خود (بدون نیاز به اقامه‌ی ادله‌ی اثباتی) می‌باشد؛ مگر آن که بتواند مطابق قواعد عمومی مسئولیت مدنی، **ثابت** نماید که از عدم انجام این تعهد (**تقصیر** مدیون)، **خسارت مشخصی** بیش از مبالغ اخیر، به وی وارد آمده است و از این باب، تقاضای جبران خسارت وارده را از محاکم صالح قضایی نماید.^{۴۵}

اما پرسشی در این خصوص پیش می‌آید: معیار تشخیص تقصیر در این موارد شخصی است یا نوعی؟

بر اساس معیار انسان معقول و متعارف، تقصیر عبارت است از انجام کاری که انسانی فرضی در شرایط مشابه انجام نمی‌داد یا ترک کاری که در آن شرایط انجام می‌داد؛ در حالی که در معیار شخصی، به آن دسته از شرایط درونی شخص مقصر که در وقوع ضرر موثر بوده، متوجه خواهد شد و شخص در صورتی مقصر شناخته می‌شود که از نظر اخلاقی قابل سرزنش باشد.^{۴۶} به نظر می‌رسد باتوجه به دشواری ارزیابی و احراز شرایط درونی شخص خاطی، معیار نوعی تشخیص تقصیر، برتری داشته و برای تشخیص مقصر بودن یا نبودن واردکننده‌ی زیان باید به این پرسش پاسخ داده شود که: آیا اگر منافع یا اموال زیان‌دیده متعلق به زیان‌زننده بود، همان‌گونه رفتار می‌کرد؟ به عبارت دیگر آیا مدیون خود تحمل می‌کند که دیگری در پرداخت دین پولی خود چنان تاخیری نماید؟ در صورتی که پاسخ منفی باشد، او مقصر است.^{۴۷}

^{۴۴}. باشکوه، مظفر، «اهمیت خسارت تادیه وجه نقد در حقوق ایران و انگلستان»، تحقیقات حقوق خصوصی کیفری، شماره ۱۸، (۱۳۹۱)، صص ۱۰۳ و ۱۰۴.

^{۴۵}. همان، صص ۱۷۱ و ۱۷۲.

^{۴۶} حسن، بادینی، «نگرشی انتقادی به معیار انسان معقول و متعارف برای تشخیص تقصیر در مسئولیت مدنی»، مجله‌ی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره‌ی ۴۰، شماره ۱ (۱۳۸۹)، صص ۷۳ و ۷۴.

^{۴۷} Ernest, Weinrib, "Toward a Moral theory of Negligence Law", Law & Philosophy, No2. (1983), pp. 49-52.

به نقل از: حسن، بادینی، فلسفه‌ی مسئولیت مدنی، (تهران: شرکت سهامی انتشار، چ چهارم، ۱۴۰۰)، ص ۱۳۰.

۲-۳ خسارت تاخیر تادیه در قالب خسارات اتفاقی

احکام وضعی و تکلیفی که پیرامون انجام یا ترک افعال مختلف مطرح می‌شود، گاه با شدت و سختی همراه است و تحقق برخی شرایط، سبب سختگیری بیشتری شارع یا مقنن نسبت به مرتکبین می‌شود.^{۴۸}

مطابق نظریه‌ی تضمین حق که منجر به شناسایی مسئولیت مطلق برای زیان‌زننده می‌شود، واردکننده‌ی زیان مطلقاً مسئول جبران خسارت است و قوه‌ی قاهره نیز رافع مسئولیت وی نخواهد بود. از جمله مهم‌ترین مصادیق این نظریه، مسئولیت غاصب می‌باشد؛ برخورد سختگیرانه با غاصب، از روایات و احکامی به دست می‌آید که در باب غصب صادر شده است؛ قاعده‌ی فقهی «الْغَاصِبُ يُؤْخَذُ بِأَشَقِّ الْأَحْوَالِ» اذعان می‌دارد؛ با غاصب به سخت‌ترین شیوه‌ها برخورد می‌شود.^{۴۹} در واقع از این قاعده، سختگیری در تاوان و هزینه برداشت می‌شود؛ به این معنا که غاصب باید تمامی هزینه‌هایی را که برای انتقال مال به مالک لازم است، بپردازد و در این زمینه با او به هیچ عنوان مدارا نخواهد شد و برگرداندن عین و منافع مال هرچند از مشقت و سختی بسیاری برخوردار باشد، بر غاصب لازم است؛ البته تا هنگامی که برتابیدن آن مشقت، ناممکن شود.^{۵۰} بنابراین ادله‌ی نفی حرج و ضرر از شخص غاصب روی گردان است.^{۵۱} این نحوه برخورد با غاصب همان سخت‌ترین برخورد با غاصب است که تلاش‌ها، سرمایه‌گذاری‌ها و وقت گذاشته‌شده توسط او را بی‌حاصل دانسته و برای آن ارزشی قائل نشده است.

امام خمینی (ره) در جلد دوم «کتاب البیع» بعد از اعلام انصراف ادله نفی حرج و ضرر از غاصب، بیانی دارند که نشان می‌دهد حکم سخت‌گیری بر غاصب، متوجه کسی است که **عالم** به موضوع باشد و در این صورت، اگر هزینه‌ی رد مال از حدود متعارف فراتر رود یا موجب حرج شود نیز تحمیل می‌شود و اگر متصرف جاهل باشد، نمی‌توان بیشتر از حدود متعارف که سبب حرج او می‌شود، هزینه‌ای را بر او تحمیل کرد.^{۵۲} ایشان همین تفصیل را در کتاب «المکاسب المحرمه» نیز بیان می‌دارند.^{۵۳} شهید سید محمد صدر نیز بر این باور است که قدر متیقن از این قاعده، شخصی است که یا **سوءنیت** دارد یا به مصلحت خود عمل می‌کند نه به مصلحت مالک.^{۵۴} این امر نشان می‌دهد که اگر نیت غاصب از «سوء» به «حسن» تبدیل شود و به جای مصلحت خود، به فکر رعایت حال مالک بیفتد، مشمول «الغاصب یؤخذ بأشَقِّ الْأَحْوَالِ»، نخواهد بود.^{۵۵}

مطابق آنچه گفته آمد، معیار برخورد سختگیرانه با غاصب، سوءنیت وی در استیلا و تصرف عدوانی مال غیر می‌باشد، در صورتی که اگر سوءنیتی در کار نبود، فقط ضمان ید بر او جاری می‌شد؛ بنابراین می‌توان از این معیار در سایر مواردی که شخصی به نحو عدوان و با سوءنیت موجبات ایراد خسارت بر دیگری را فراهم می‌آورد، استفاده نمود؛ از جمله در بحث موضوع این نوشتار، به این معنا که اگر مدیونی از پرداخت دین پولی خود در رسید مشخص سرباز زند، **در صورتی که سوءنیت او ثابت شود**، نه تنها ملزم به جبران کاهش ارزش پول (ضمان قراردادی)، خسارت نوعی (مطلقاً) و خسارت مبتنی بر تقصیر شخص (در صورت اثبات تقصیر و میزان خسارت وارده) به داین خواهد بود، بلکه موظف به جبران خسارات اتفاقی نیز می‌باشد، اگرچه مستند به فعل او نباشد. به عنوان مثال در فرضی که داین ادعا می‌نماید از تاخیر در پرداخت دین پولی مدیون، معامله‌ی سودآور وی به دلیل کمبود بودجه‌ی مالی و برگشت خوردن چک‌هایش فسخ گردیده و وی به جهت برهم خوردن معامله، مجبور شده وجه التزام گزافی به طرف قراردادی‌اش بپردازد، در صورتی

^{۴۸} عبدالله، خدابخشی، «الغاصب یؤخذ بأشَقِّ الْأَحْوَالِ»، فقه اهل بیت علیهم السلام، دوره ۱۶، شماره ۶۱ (۱۳۸۹)، ص ۱۰۸.

^{۴۹} ابوالفضل، علیشاهی، «نقد و تحلیل آرای فقهی در باب قاعده الغاصب یؤخذ بأشَقِّ الْأَحْوَالِ و قلمرو مصادق آن»، نشریه فقه و اصول، شماره ۸۹ (۱۳۹۱)، ص ۱۲۵.

^{۵۰} محمد، صدر، *ماوراء الفقه*، (بیروت: دارالاضواء، ج اول، ۱۴۰۲ ق)، ص ۳۱۳.

^{۵۱} روح الله، خمینی، *کتاب البیع (تقریرات)*، تقریر: حسن قدیری، ج دوم، (بیجا: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، بی‌تا)، ص ۵۱۱.

^{۵۲} همان، ص ۵۱۱ و ۵۱۲.

^{۵۳} روح الله، خمینی، *مکاسب محرمه*، ج دوم، (بیجا: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج اول، ۱۴۱۵ ق)، ص ۳۹۸.

^{۵۴} محمد، صدر، *پیشین*، جلد ۴، ص ۳۳۱.

^{۵۵} همان، جلد ۵، ص ۲۶.

که سوءنیت مدیون در تاخیر در پرداخت دینش اثبات گردد، وی ملزم به پرداخت خسارات واردآمده به داین به دلیل برهم‌خوردن معامله خواهد بود، اگرچه آن خسارات برای وی غیرقابل‌پیش‌بینی بوده و از آن اطلاعی نداشته باشد.

نتیجه

اگرچه با استناد به ماده ۵۲۲ آیین دادرسی مدنی به‌نظر می‌رسد منظور قانون‌گذار در واقع جبران کاهش ارزش پول بر اساس شاخص نرخ تورم (ضمان جعلی) توسط بدهکاران می‌باشد، اما با تصویب رای وحدت‌رویه‌ی شماره‌ی ۸۰۵ توسط دیوان عالی کشور و پذیرش تعیین وجه التزام تعهدات پولی، بیش از شاخص بانک مرکزی تا هر میزان و البته به شرط عدم مغایرت با قوانین امری از جمله مقررات پولی، می‌توان گفت ماهیت خسارت تاخیر تادیه تا حد بسیار زیادی به جبران خسارت در معنای واقعی خود (ضمان قهری) نزدیک شده و برای طرفین قراردادی (جز بانک‌ها) راهی گشوده تا از گذر توافقی با یکدیگر و تعیین مبلغ معقولی، برای جبران خسارتی که به سبب عدم پرداخت به‌موقع تعهد پولی به آنان وارد آمده، اقدام کنند. این خسارات ذیل ضمان قهری شامل خسارات نوعی (مطلقاً و بدون نیاز به اثبات)، خسارات مبتنی بر تقصیر شخص (در صورت اثبات تقصیر مدیون در ایراد ضرر و میزان خسارت وارده) و خسارات اتفاقی (با اثبات سوءنیت مدیون در ورود ضرر) می‌باشند که همگی با رعایت شرایط مقرر، به عنوان خسارت تاخیر تادیه در معنای حقیقی خود قابل مطالبه و دریافت خواهند بود.

اما در خصوص قلمرو آزادی اراده‌ی اشخاص در تعیین میزان خسارت تاخیر تادیه، در حقوق انگلیس دادگاه‌ها شروط ناظر بر تعیین خسارت تاخیر تادیه را به دو دسته‌ی شروط کیفری و شروط خسارت تعیین‌شده تقسیم می‌کنند و در جایی که به تشخیص دادگاه، توافق طرفین به جهت غیرمنصفانه بودن مبلغ قابل پرداخت، ماهیت مجازات و تنبیه و تهدید برای طرف متخلف داشته باشد، آن را معتبر ندانسته و در این حالت، میزان خسارت به‌وسیله‌ی دادگاه به روش معمول (ازجمله بر اساس نرخ تورم) ارزیابی می‌شود. در حقوق ایران نیز با استناد به رای وحدت‌رویه‌ی اخیر و همچنین قاعده‌ی لاضرر، تعیین وجه التزام تعهدات پولی به میزان بیش از نرخ تورم منوط به رعایت مقررات ماده ۶ آیین دادرسی مدنی و عدم مغایرت با قوانین و مقررات امری شده و به همین جهت می‌توان گفت شروط تعیین خسارت ناشی از عدم ایفای به‌موقع تعهدات پولی تا جایی معتبر است که تحت عنوان شرط تحمیلی، مخل نظم عمومی یا برخلاف اخلاق حسنه نباشد؛ به این معنا که ارزیابی میزان خسارات واقعی وارده به متعهدله باشد نه مبلغ مازاد و گزاف به عنوان ربا.

درنهایت پیشنهاد می‌گردد متن ماده‌ی ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی به این شرح اصلاح گردد: «مدیون ملزم به پرداخت خسارت ناشی از تاخیر تادیه‌ی دین پولی از نوع وجه رایج کشور، از تاریخ مطالبه و بر اساس شاخص سالانه اعلامی بانک مرکزی خواهد بود. متعهدله بدون نیاز به اثبات ورود هرگونه ضرر مستحق دریافت این خسارت می‌باشد. چنانچه متعهد به واسطه‌ی سوءنیت خود موجب ورود خسارتی غیر از خسارت تاخیر تادیه نوعی شده باشد، متعهدله می‌تواند آن را نیز مطالبه نماید. دریافت سایر خسارات وارده، منوط به اثبات تقصیر مدیون مطابق قواعد عام مسئولیت مدنی می‌باشد.»

فهرست منابع

منابع فارسی

۱. بابایی، ایرج، حقوق مسئولیت مدنی مبتنی بر نقد و بررسی آراء و رویه‌ی قضایی، ج ۱، (تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه، چ ۴، ۱۳۹۹).
۲. بادینی، حسن، فلسفه‌ی مسئولیت مدنی، (تهران: شرکت سهامی انتشار، چ چهارم، ۱۴۰۰).
۳. توکلی، محمدمهدی، حقوق مدنی، ج ۱، (تهران: مکتوب آخر، چ دوم، ۱۳۹۹).
۴. شهیدی، مهدی، حقوق مدنی: آثار قراردادهای و تعهدات، ج ۳، (تهران: مجد، چ دهم، ۱۴۰۱).
۵. صفایی، رحیمی؛ سیدحسین، حبیب‌الله، مسئولیت مدنی تطبیقی، (تهران: شهر دانش، چ دوم، ۱۳۹۹).
۶. کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادهای، ج ۴، (تهران: سهامی انتشار، چ ۹، ۱۳۹۳).
۷. کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادهای، ج ۴، (تهران: سهامی انتشار، چ ۹، ۱۳۹۳).
۸. کاتوزیان، ناصر، نظریه‌ی عمومی تعهدات، (تهران: نشر میزان، چ دهم، ۱۴۰۰).
۹. مکارم شیرازی، علیان‌نژادی؛ ناصر، ابوالقاسم، ربا و بانک‌داری/اسلامی، (قم: انتشارات امام علی بن ابی طالب، چ اول، ۱۳۹۵).
۱۰. موسویان، سیدعباس، بررسی فقهی- حقوقی قوانین مربوط به جرمه و خسارت تأخیر تأدیه در ایران، (تهران: جنگل، چ اول، ۱۳۸۹).
۱۱. میشیکن، فردریک، پول، ارز، بانک‌داری، ترجمه‌ی علی جهانخانی و علی پارسایان، (تهران: انتشارات سمت، چ ۱۳، ۱۳۹۶).

مقاله

۱۲. آقایی، کامران، «ماده‌ی ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی در آیین نظریه‌ی تعدیل پول»، فصل‌نامه‌ی تحقیقات حقوقی، شماره‌ی ۸۰ (۱۳۹۶).
۱۳. بادینی، حسن، «نگرشی انتقادی به معیار انسان معقول و متعارف برای تشخیص تقصیر در مسئولیت مدنی»، مجله‌ی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره‌ی ۴۰، شماره ۱ (۱۳۸۹).
۱۴. خدابخشی، عبدالله، «الغاصب یؤخذ بأشقی الاحوال»، فقه اهل بیت علیهم السلام، دوره ۱۶، شماره ۶۱ (۱۳۸۹).
۱۵. ساردویی‌نسب، کاظمپور؛ محمد، سیدجعفر، «مولفه‌های غیرمنصفانه بودن قرارداد»، فصلنامه مجله‌ی حقوقی دادگستر، شماره ۷۵ (۱۳۹۰).
۱۶. صدقی، غلامعلی، «وجه التزام ناشی از تعهدات پولی: تحلیل مبانی فقهی و حقوقی و پاسخ به سوالات، اشکالات و ابهامات رای وحدت‌رویه‌ی ۸۰۵ هیئت عمومی دیوان عالی کشور»، مجله‌ی مجموعه‌ی حقوقی (دیوان عالی کشور)، شماره‌ی ۱ (۱۴۰۰).
۱۷. علیشاهی، ابوالفضل، «نقد و تحلیل آرای فقهی در باب قاعده الغاصب یؤخذ بأشقی الاحوال و قلمرو مصداقی آن»، نشریه فقه و اصول، شماره ۸۹ (۱۳۹۱).
۱۸. کریمی، جواهرکلام؛ عباس، محمدهادی، «تحلیل رای وحدت‌رویه‌ی شماره‌ی ۷۳۳ هیأت عمومی دیوان عالی کشور؛ با تأکید بر ماهیت پول و تمایز کاهش ارزش پول، خسارت تأخیر تأدیه و خسارت ناشی از افزایش قیمت‌ها»، دانش‌نامه‌ی حقوق اقتصادی، شماره ۱۷ (۱۳۹۹).

۱۹. مظفر، باشکوه، «اهمیت خسارت تادیه وجه نقد در حقوق ایران و انگلستان»، تحقیقات حقوق خصوصی کیفری، شماره ۱۸ (۱۳۹۱).

۲۰. موسوی بجنوردی، سیدمحمد، «بررسی و نقد نظریات برخی از اندیشوران اسلامی درباره‌ی ماهیت پول»، فصل‌نامه‌ی رهنمون، شماره ۶ (۱۳۷۲).

۲۱. وحدتی شبیری، سیدحسن، «مطالعه‌ی تطبیقی تأخیر تادیه در حقوق ایران و فقه امامیه»، فصل‌نامه اقتصاد اسلامی، شماره‌ی ۱۲ (۱۳۸۲).

۲۲. یزدی‌فرد، ابهری، بهرامی؛ علی‌اکبر، حمید، حسین، «مفهوم و ماهیت پول و ضمان مربوط به کاهش ارزش و خسارت تأخیر تادیه در بازپرداخت قرض اسکناس»، فصل‌نامه‌ی مطالعات فقه و حقوق اسلامی، شماره ۲۷ (۱۳۹۱).

زبان های خارجی

کتاب عربی

۲۳. خمینی، روح الله، کتاب البیع (تقریرات)، تقریر: حسن قدیری، ج دوم، (بیجا: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، بی‌تا).

۲۴. خمینی، روح الله، مکاسب محرمة، ج دوم، (بیجا: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چ اول، ۱۴۱۵ ق).

۲۵. صدر، محمد، ماوراء الفقه، (بیروت: دارالاضواء، چ اول، ۱۴۰۲ ق).

انگلیسی

Book

26. Treitel, Guenter H, *An outline of the Law of contract*, (Oxford University Press, 6th Ed. 2005).
27. Jackson Powell(J), *Professional negligence*, (London. Sweet & Maxwell, 3th. Ed.1992).
28. Gotanda, John Y, *A study of interest*, (Villanova University School of Law Public Law and Legal Theory, No.10 2007).
29. Cheshire. and Atiyah, p.s. *An introduction to the law of contract*, (Oxford clarendon press, Six. Ed., 2006).
30. Cheshire.Fifoot, Furmstons, *Law of contract*. (London: Butter worts, seventeenth. ed. 1986).
31. Chity, *Chity on Contracts*, (London: Sweet and Maxwell, 2004).
32. G.H. Trietel, *An outline of the law of contract*, (london. Butlet Worrth Forth.ed., 1989).
33. Pafifield.coline.F, Barker, *Law mad simple*, (twelve. ed. ,2002).
34. Tritel, G.H, *An outline of the contract*, (london, Butter worts, six. Ed. ,2005).
35. V. Reynolds, William, *An introduction to the law of contract*, (Oxford clarendon press, fothr. ed., 1990)

Article

36. Carter, J. & Peden, E, "A Good Faith Perspective on Liquidated Damages", Kournal of Contract law, Vol 23. No. 3.
37. Shaw,R, "Liquidates damages": Update Following Ringrow v BP, https://www.Lavan.com.au/images/galleries/Lavan_Legal_Liquidated_damages_update_following_Ringrow_v_BP_22_March_2012.Pdf, (2012).
38. Weinrib, Ernest, "Toward a Moral theory of Negligence Law", Law & Philosophy, No2. (1983).

A comparative study of the nature of damages for late payment in Iranian and English law

Abstract

As a result of the delay in fulfilling monetary obligations, the value of money decreases as a result of delay, and also the obligee is deprived from the benefits of money during the delay period; In this situation, he suffers losses. In Iranian legal system, both of these types of damages are referred to as damages for late payment, but damages for late payment in its true sense is the latter. According to Article 522 of the Civil Procedure Law, only the damages caused by the devaluation of the currency can be compensated up to the inflation rate, but according to the unanimous decision of the Supreme Court No. 805, the agreement to an amount in excess of the inflation rate is prescribed. Therefore, it is possible to compensate for the late payment in its true sense (including general damages, personal damages with proof of the debtor's fault and the amount of damage and also unforeseeable damages with proof of bad faith of the debtor) through the agreement of the parties. In England, after recognizing the possibility of paying damages for late payment in monetary debt, it is possible for parties to the contract to agree about the amount of damages for late payment, unless that amount is to the extent that it takes on a criminal aspect and is considered as a criminal condition. In Iranian law, according to unanimous decision of the Supreme Court No. 805 and also by referring to the harmless rule, party's agreement for the amount of damages for late payment is valid, unless the condition of damages is unreasonable (unfair condition) and it contradicts with the public order; So the freedom of the parties in determining the amount of damages for late payment is up to the extent that it is considered damages, not usury.

Key words: Damages for late payment, Monetary obligation, Usury, Unfair condition.